نگاهی به فیلم مربای شیرین کار مرضیه برومند

سنت و تجدد

مهرزاد دانش

از همان ۶-۵ سال پیش که خبر ساخت فیلمی از روی یکی از داستان های هوشنگ مرادی کرمانی توسط مرضیه برومند مطرح شد، این پرسش در اذهان زیادی به وجود آمد که چگونه چنین محصولی از جانب دو هنرمند که شیوه و اسلوب های متفاوت با یکدیگر دارند قرار است تولید شود. هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده ای است که سبکی کم و بیش واقعگرایانه دارد و عمدتاً در محورهای مربوط به فقر داستان می نویسد و اگرچه لحن قلمش طنزآمیز است، اما این طنز ریشه در رئالیسم دارد و در بستر تعامل های شخصیت داستان با موقعیت های پیرامونی اش ایجاد می شود. آثاری نیز که از او تا به حال مورد اقتباس سینمایی قرار گرفته است از همین حال و هوا تبعیت می کند: چکمه، قصه های مجید، موش، مهمان مامان و... اما حوزه کاری مرضیه برومند وضعیت دیگری دارد. او با پیشینه ای نسبتاً پررنگ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همچنین گروه های نمایشی تلویزیونی، رفته رفته عمده کارهای هنری خود را در قالب نمایش های عروسکی برای کودکان (دیوچو بیرون رود، مدرسه موش ها، خونه مادربزرگ، قصه های تابه تا) و سریال های تلویزیونی طنز (هتل، آرایشگاه زیبا، خودرو تهران ۱۱ و کارآگاه شمسی و مادام) متمرکز ساخت و در حیطه سینما نیز تابه حال فقط ۳ فیلم ساخته است که هر ۳ متعلق به سینمای کودک و نوجوان است: شهر موش ها (۱۳۶۴)، الو الو من جوجوام (۱۳۷۳) و مربای شیرین (۱۳۸۰). البته وی در مقام مشاور کارگردان، بازیگردان، نویسنده، بازیگر، تهیه کننده، مجری طرح و حتی سراینده شعر نیز در حوزه سینما کار کرده است. اما سبک برومند بیشتر حال و هوای سرخوشانه دارد و طنزی که از درون کارهایش می جوشد، متفاوت از طنز متعلق به آثار امثال مرادی کرمانی است. این دو هنرمند اگر چه هر دو عمدتاً با مخاطبان کودک و نوجوان روبرو هستند، ولی یکی شان جنبه های جدی آن ها را مورد نظر قرار می دهد و با استفاده از تضادهای موقعیتی طنز می آفریند، در حالی که دیگری بیشتر ابعاد فانتزی قضیه را مدنظر قرار می دهد و شاید از همین روست که بیشتر کارهای مربوط به کودک او، قالب عروسکی دارد. این نکته البته به دوپیامد متفاوت از یکدیگر نیز منجر می شود و آن عبارت از بازخورد این آثار بین مخاطبان است. عمده آثار مرادی کرمانی که به وادی سینما راه پیدا کرده اند چندان پرفروش نبوده اند (غیر از مهمان مامان که البته تحلیل دیگری می طلبد) و اصلاً بنا نیز بر استقبال زیاد مخاطبان نبوده است، ولی برومند هنرمندی است که جلب نظر مخاطب برایش اهمیت زیادی دارد و فراموش نکنیم که شهر موش ها و یکی از پرفروش ترین های سینمای ایران است، ضمن آن که اغلب سریال های تلویزیونی اش چه در حوزه بزرگسال و چه در حوزه کودک جزو برنامه های پرمخاطب تلویزیون بوده است.

این نقاط مغایر، وضعیت ساخت مربای شیرین را همان طور که بسیاری از قبل، پیش بینی می کردند با مشکل مواجه ساخت و همکاری برومند و مرادی کرمانی مجبور به استفاده برومند از یک فیلمنامه نویس دیگر (فرهاد توحیدی) گردید. بدین ترتیب داستان مربای شیرین در فرایند تبدیلش به فیلم سینمایی تا حدی زیاد دچار تغییر و تحول شد و مایه هایی که برای جذب تماشاگر بدان افزوده شد، سبک و سیاق روایی و ایدئولوژیکش را عوض کرد. این نکته ای است که البته هم برومند و هم مرادی کرمانی بدان اشاره کرده اند. برومند در یادداشتی که برای نمایش فیلمش در بیستمین جشنواره فیلم فجر در ماهنامه سینمای فیلم (شماره ۲۸۱، ص۲۸) نوشت صراحتاً عنوان کرد: «قصه مربای شیرین بر خلاف سایر آثار آقای مرادی کرمانی بی مزه و نچسب است و صرفنظر از گره اصلی قصه، یعنی باز نشدن در شیشه مربا که نظر را تا حدودی جلب کرد، انگیزه زیادی در من برای ساختنش به وجود نیاورد. شاید هم درست به همین دلیل این قصه پس از چهار پنج سال دست به دست شدن نصیب من شد. به هر حال فیلمنامه ای که آقای توحیدی با نظر و سلیقه من نوشته با قصه اصلی تفاوت های اساسی بویژه در نتیجه گیری نهایی دارد.» از سوی دیگر مرادی کرمانی نیز در مصاحبه ای با همین نشریه (شماره ۳۳۲، ص۵۵) نسبت به فیلم انتقاد کرد: در فیلم مورد نظر بچه فقیر داستان که مشکلات فراوانی دارد تبدیل شده به یک بچه اعیان که هیچ مشکلی ندارد پس انگیزه هایش برای کاری که می کند باورپذیر نیست اما کارگردان معتقد بود به هیچ عنوان حاضر نیست سراغ یتیم بازی و این قبیل مسائل برود. در کار من غم و طنز شانه به شانه هم پیش می روند و این جایگی از دو سمت قضیه حذف شده بود.... دیگر این که قصه های من روایت های ساده دارند. از اولش شروع می کنید و می رود تا به ته اش می رسید. اگر بخواهی جلو و عقب بروی و قضیه را بپیچانی خوب از کار درنمی آید. آنهایی که چنین کاری را با این داستان ها کرده اند، به نظر نتیجه خوبی نگرفته اند.... من حتی فیلمنامه فیلمی را که این طوری با کتابم برخورد کرده بود خواندم و چیز زیادی نفهمیدم. فکر می کنم بیننده هم نفهمیده باشد.»

مربای شیرین

کارگردان: مرضیه برومند ـ نویسنده فیلمنامه: فرهاد توحیدی براساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی ـ تهیه کننده: وراهنر ـ بازیگران: لیلا حاتمی، محمدرضا شریفی نیا، امیرحسین صدیق، مانی نوری، ژاله صاحتی

خلاصه داستان: نوجوانی یک شیشه مربا می خرد اما نمی تواند درآن را بازکند. او قضیه را تا تعطیلی کارخانه مرباسازی پی می گیرد. اما...

مربای شیرین، اما با وجود اختلاف نظر بین کارگردان و نویسنده منبع اصلی فیلمنامه و همچنین باوجود مشکلات مالی که برای تهیه کننده (شرکت وراهنر) پیش آمد و فیلم آن سال که مد نظر اولیه کارگردان بود پیش نرفت و حتی اکرانش هم به همین دلیل معضلات مالی حدود ۵ سال به تأخیر افتاد، اثر بدی نشده است. فیلم با این که ابعاد موزیکالش به لحاظ اجرا دارای مشکل است و حرکات موزون بازیگران و تنظیم آن با ریتم موسیقی و آواز جور نیست و بسیار خام طراحی شده است (که البته به دلیل آن که جزو تجربه های نخستین دراین گونه در سینمای ایران است تا حدی طبیعی به نظر می آید. مثلاً فیلم مکس ساخته سامان مقدم که چند ماه پیش اکران شد از این لحاظ حرفه ای تر بود) اما در هر حال توانسته است ایده خود را بخوبی پیش ببرد و گسترش بخشد. این ایده عبارت است از تقابل و دوگانگی که بین دو قطب شخصیتی و موقعیتی اثر حاصل آمده است. یک قطب عبارت است از جلال و دوستانش که جزو جامعه تحت سیطره محسوب می شوند و قطب دیگر شامل مدیران کارخانه است که از موضع استیلا و آواره گری محصولات تولیدی شان را به مصرف کننده می دهند. اینکه چرا از این عبارات خاص برای رابطه به ظاهر ساده آدم های فیلم استفاده شده است، علتش برمی گردد به سطوح نمادینی که در فیلم وجود دارد. در واقع مهمترین تفاوت فیلم مرضیه برومند و کتاب هوشنگ مرادی کرمانی به همین نکته مربوط می شود. فیلم با استفاده از این سطوح نمادین، تفسیر ساده داستان را به سوی عمق بیشتری هدایت کرده است. مثلاً اگر دقت کنیم، در اولین کلیپی که جلال در راه مدرسه می خواند، قضیه صرفاً محدود به باز نشدن در شیشه مربا باقی نمی ماند و سایر معضلات اجتماعی که در شهر وجود دارد بعضاً مورد انتقاد قرار می گیرند. این نشان می دهد برخلاف کتاب، در فیلم شیشه مربا یک ابزار است برای وسعت بخشیدن به دایره معنایی اثر و حتی این وسعت گاه چندان صورت می پذیرد که در آن لایه های سیاسی نیز شکل می گیرند. در فیلم ارباب سرمایه با استفاده از ناآگاهی توده مردم به صورتی استمرارواز آنها بهره کشی به عمل می آورند و تحت پوشش تبلیغات دیداری و شنیداری و حتی استفاده از مسابقات ورزشی، مصرف زدگی کالایی بی ارزش را رواج می دهند. آنها به جای یافتن حل مشکل و برطرف ساختن آن، در پی معطوف ساختن توجه توده مردم به یک پدیده کاذب برمی آیند و در این میان تلاش یک نفر از بین توده مردم که به خود آگاهی عمومی منجر می شود. این استیلای مبتنی بر آوازه گری های تحمیق کننده رادر هم می شکند. فیلم البته پایانی تلخ دارد و اگر چه اتفاقاتی نصرالدین قندچی (با بازی محمدرضا شریفی نیا) را در پشت شیشه در محصور نگه می دارد و شمس الدین قندچی (امیر حسین صدیق) را داخل پاتیل مربا می افکند، ولی نهایتاً روند استیلای ارباب سرمایه را تداوم دار معرفی می کند، منتها این روند در کنارش اعتراض پارجای بچه ها را هم حفظ می کند و از این جذابیت و ماندگاری به چشم نخورد. سریال های بعدی یکی یکی آمدند و رفتند و جز موارد موردی، تماشاگر زیادی جذب نکردند.

پس از چند کار نادیدنی، مجموعه جدید «زندگی به شرط خنده» روانه آنتن شد. این بار با تکیه بر آشنایی ها و علاقه مندی های تماشاگران تلویزیون به مجموعه های موفق دیگر. عنوان بندی سریال، از «زیر آسمان شهر» می آید، حمید لولایی با همان نام و در همان کسوت از همان مجموعه می آید و بقیه بازیگران هم از دل موفقیت های مجموعه های دیدنی و قابل تأمل مهران مدیری، رضا عطاران و مهران غفوریان بیرون کشیده شده اند.

ولی با وجود تکیه بر هنر دیگران و استفاده از آنچه توسط هنرمندان دیگر خلق شده و پیش از این امتحان خودش را پس داده، مجموعه جدید «زندگی به شرط خنده» در سراشیبی عدم جذابیت قرار دارد و روز به روز (و البته شب به شب!) تکراری تر از پیش به نظر می رسد. حتی مدتی است شکل فاصله گذاری مورد استفاده توسط مهران مدیری در مجموعه هایش، به اینجا هم راه پیدا کرده و بازیگران درباره خود واقعی شان و موقعیت های ساخت مجموعه صحبت می کنند و ـ مثلاً ـ فاصله گذاری هنرمندانه اتفاق می افتد. حال آنکه آن کار مناسب آن فضا بود و کوچکترین نسبتی با این فضا ندارد. تقلید همیشه جواب نمی دهد. نمونه اش همین است که می بینید.

۳- استقبال از شعرهای مولانا در آمریکا همچنان ادامه دارد و گستردگی این حجم آنقدر بود که آن را یک تب گذرا و مثلاً به خاطر فلان خواننده مشهور آمریکایی ندانیم که شعرهای مولانا را خوانده. سال ۲۰۰۷ هم از سوی یونسکو به پیشنهاد ترکیه، سال مولانا نامگذاری شده. ولیعهد انگلستان قرار است برای ساخت فیلم مستندی درباره مولانا سرمایه گذاری کند. یک فیلمساز آرژانتینی، فیلمنامه ای بر اساس زندگی و اشعار مولانا نوشته و بزودی فیلمبرداری را شروع می کند و...

...ما کجاییم؟ ما چه کرده ایم؟ ما چه می کنیم؟ «ایران» و «مولانا» هیچ نسبتی با هم ندارند؟

۴- این هم عاشقانه ای از اثر ماندگار ـ به ظاهر کودکانه - «شازده کوچولو»: اگر مثلاً سر ساعت چهار بعدازظهر بیایی، من از ساعت سه تو دلم قند آب می شود و هرچه ساعت جلوتر برود، بیشتر احساس شادی و خوشبختی می کنم. ساعت چهار که شد، دلم بنا می کند شور زدن و نگران شدن. آن وقت است که قدر خوشبختی را می فهمم!

یک پنجره

ناصر صفاریان
Nasser@saffarian.ws

۱- حتماً شما هم بارها شنیده اید که ایرانی ها در اغلب موارد، غیرقابل پیش بینی هستند و نمی توان با اطمینان از علاقه و تصمیم احتمالی آنها صحبت کرد. نمونه هایش را در همه عرصه ها می توان دید و در سیاست و فرهنگ، بیشتر.

و حالا یکی دیگر از این موارد رخ داده است: فروش خوب فیلم های کمدی اکران شده در ماه های آغاز سال. درست در شرایطی که سینمای ایران در چند سال گذشته از انواع و اقسام فیلم های کمدی اشباع شده بود و این موج فروکش کرده به نظر می رسید و نمونه های آخر هم با استقبال روبرو نشده بود و درست در روزهایی که همه منتظر موج های جدید بودند، بار دیگر فیلم های متکی به طنز (از نوع قابل تأمل گرفته تا طنز سبک) مردم را به سینما کشاندند. آخرین نمونه اش، «آتش بس» تهمینه میلانی است که تازه به روی پرده آمده و خوب هم می فروشد.

۲- مجموعه طنز نوذ شبی «بدون شرح» آنقدر جذابیت داشت که نام کارگردان و خاطره بازی های خوب را برای بینندگان تلویزیون ماندگار کند. اما در هیچ یک از کارهای بعدی این گروه، نشانی از این جذابیت و ماندگاری به چشم نخورد. سریال های بعدی یکی یکی آمدند و رفتند و جز موارد موردی، تماشاگر زیادی جذب نکردند.

پس از چند کار نادیدنی، مجموعه جدید «زندگی به شرط خنده» روانه آنتن شد. این بار با تکیه بر آشنایی ها و علاقه مندی های تماشاگران تلویزیون به مجموعه های موفق دیگر. عنوان بندی سریال، از «زیر آسمان شهر» می آید، حمید لولایی با همان نام و در همان کسوت از همان مجموعه می آید و بقیه بازیگران هم از دل موفقیت های مجموعه های دیدنی و قابل تأمل مهران مدیری، رضا عطاران و مهران غفوریان بیرون کشیده شده اند.

ولی با وجود تکیه بر هنر دیگران و استفاده از آنچه توسط هنرمندان دیگر خلق شده و پیش از این امتحان خودش را پس داده، مجموعه جدید «زندگی به شرط خنده» در سراشیبی عدم جذابیت قرار دارد و روز به روز (و البته شب به شب!) تکراری تر از پیش به نظر می رسد. حتی مدتی است شکل فاصله گذاری مورد استفاده توسط مهران مدیری در مجموعه هایش، به اینجا هم راه پیدا کرده و بازیگران درباره خود واقعی شان و موقعیت های ساخت مجموعه صحبت می کنند و ـ مثلاً ـ فاصله گذاری هنرمندانه اتفاق می افتد. حال آنکه آن کار مناسب آن فضا بود و کوچکترین نسبتی با این فضا ندارد. تقلید همیشه جواب نمی دهد. نمونه اش همین است که می بینید.

۳- استقبال از شعرهای مولانا در آمریکا همچنان ادامه دارد و گستردگی این حجم آنقدر بود که آن را یک تب گذرا و مثلاً به خاطر فلان خواننده مشهور آمریکایی ندانیم که شعرهای مولانا را خوانده. سال ۲۰۰۷ هم از سوی یونسکو به پیشنهاد ترکیه، سال مولانا نامگذاری شده. ولیعهد انگلستان قرار است برای ساخت فیلم مستندی درباره مولانا سرمایه گذاری کند. یک فیلمساز آرژانتینی، فیلمنامه ای بر اساس زندگی و اشعار مولانا نوشته و بزودی فیلمبرداری را شروع می کند و...

...ما کجاییم؟ ما چه کرده ایم؟ ما چه می کنیم؟ «ایران» و «مولانا» هیچ نسبتی با هم ندارند؟

۴- این هم عاشقانه ای از اثر ماندگار ـ به ظاهر کودکانه - «شازده کوچولو»: اگر مثلاً سر ساعت چهار بعدازظهر بیایی، من از ساعت سه تو دلم قند آب می شود و هرچه ساعت جلوتر برود، بیشتر احساس شادی و خوشبختی می کنم. ساعت چهار که شد، دلم بنا می کند شور زدن و نگران شدن. آن وقت است که قدر خوشبختی را می فهمم!

ایرانول

آگهی شناسایی پیمانکار

شرکت نفت ایرانول در نظر دارد عملیات احداث سیستم روشنایی اطراف پالایشگاه روغن سازی ایرانول واقع در آبادان را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط به صورت PC واگذار نماید . لذا از کلیه علاقمندان دعوت می گردد تا ظرف مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی ، اطلاعات مربوط به سوابق خود را به آدرس دفترمرکزی شرکت واقع در خیابان ملاصدرا ، شماره ۱۳۱/۱ طبقه سوم ، واحد تدارکات ارسال نمایند . این شرکت پس از بررسی مدارک ، نسبت به ارسال مدارک خرید اقدام خواهد نمود و ارسال مدارک یاد شده هیچ گونه حقی برای ارسال کننده و هیچگونه تعهدی برای این شرکت ایجاد نخواهد نمود .

شرکت نفت ایرانول
www.iranol.ir

آگهی مناقصه شماره ۵-۸۵/۲ت

شرکت تهیه و تولید موادمعدنی ایران در نظر دارد دو دستگاه لکوموتیو برقی لوئلی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.بدینوسیله ازکلیه فروشندگان حقیقی و حقوقی دعوت می شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه از تاریخ آگهی لغایت پایان وقت اداری (۱۵/۳۰) روزیکشنبه ۸۵/۲/۲۴ باواریز مبلغ یکصد هزار ریال به حساب شماره۰۹۹۰۲۰۱این شرکت نزد بانک ملت شعبه میدان ولیعصر و یا در دست داشتن اصل فیش واریزی به آدرس تهران بالاتر از میدان ولیعصر- روبروی سینما استقلال-شماره ۶۸۵- ضلع جنوبی- طبقه ششم- اموربازرگانی مراجعه نمایند.
تلفن:۸۸۳۹۳۳۳۴

شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

آگهی مناقصه پیمانکاری عملیات استخراج ، باطله برداری و اکتشاف حین استخراج
در معادن طلای موته شماره ۶-۸۵/۲ت

این شرکت در نظر داردعملیات استخراج باطله برداری و اکتشاف حین استخراجدر معادن طلای موته واقع دراستان اصفهان را باانجام کلیه خدمات مربوطه از طریق مناقصه عمومی به شرکتهای واجد صلاحیت واگذار نماید.از کلیه متقاضیان شرکت درمناقصه درخواست میگردد برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۷ با واریز ۱۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۰۹۹۰۲۰۱نزد بانک ملت شعبه میدان ولیعصر تهران به نام شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران و یا به حساب جاری شماره ۲۲۷۰نزد بانک ملی شعبه میمه کد ۲۹۹۱ به نام مجتمع طلای موته و یا در دست داشتن اصل فیش واریزی به آدرس:این شرکت:واقع در تهران بالاترازمیدان ولیعصر- روبروی سینما استقلال- پلاک ۶۸۵- طبقه ششم- برج جنوبی- امور بازرگانی مراجعه نمایند. شرکت کنندگان در مناقصه باید دارای شخصیت حقوقی باشند.
شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران

Call for Tenders

(Selection of Financial and Procurement consultant)
The University College of Engineering, University of Tehran intends to delegate the consultancy duty on Purchasing equipments for its laboratories from the granted loan package by the Islamic Development Bank (IDB) via international tendering to the capable and professional companies in this field.
Hereby, the interested and qualified companies are invited to send their records in no more than two pages to the Fax Number 66957787 or Email at pdo@ut.ac.ir for two weeks from the date of publication of this announcement.
For further information, you may contact the following numbers: Tel. 61112903, 66957782

آگهی فراخوان عمومی شناسایی مشاور

استانداری هرمزگان درنظر دارد مطالعه و طراحی بلوار ساحلی خلیج فارس حدفاصل فرودگاه تا پارک سور و واقع در شهر بندرعباس را به مشاور واجد شرایط واگذار نماید. لذا مشاورین واجد شرایط مدارک مورد نیاز خود (رزومه - سوابق کاری) مطابق دستور العمل اجرایی آیین نامه ارجاع کار به مشاوران به شماره ۱۷۳۳۴ ت/ ۲۸۴۲۲ تاریخ ۸۳/۴/۷ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را به معاونت امور عمرانی استانداری هرمزگان، اداره کل دفتر فنی به نشانی بندرعباس، گلشهر جنوبی، خیابان فجر، کوچه عدالت یک مراجعه یا ارسال نمایند، تا پس از ارزیابی نسبت به ارسال دعوتنامه اقدام گردد.
قابل ذکر است هزینه های آگهی بر عهده برنده طرح خواهد بود.

آگهی شناسایی پیمانکار

اداره کل دادگستری استان هرمزگان در نظر دارد در اجرای ماده ۹ آیین نامه ارجاع کار به شماره ۶۳۰۰۷-۲۲۳۱ مورخ ۸۱/۱۲/۱۹ کاری با مشخصات زیر به شرکتهای تشخیص صلاحیت شده سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور واگذار نماید.
الف-شرح مختصر کار: بهسازی خاک به روش ارتعاشی جایگزینی در وسعتی حدود ۱۵۰۰ مترمربع
ب-سرآورد کار: ۲/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
ج-محل کار: بندرعباس
د-مدت قرارداد: ۲/۵ ماه
ه-محل تأمین اعتبار: تملک دارایی های سرمایه ای (عمرانی)
و-دستگاه نظارت: دفتر فنی و مهندسی دادگستری استان هرمزگان
مدارک مورد نیاز:
۱- تصاویر اساسنامه آگهی تأسیس و کلیه آگهی های تصمیمات/تغییرات و... بعدی شرکت تکنون و مندرج در روزنامه رسمی
۲- دعوت سازمانی و مشخصات، تصمیمات و سوابق کاری کارکنان شرکت
۳- فهرست کارهای انجام شده یا در حال انجام شرکت با تأئیدات مربوطه(گواهی پایان کار، مفاصاحساب)
۴- ارائه مدارک و سوابق کاری انجام شده مشابه موضوع مناقصه
۵- رضایت نامه یا تشویق نامه از کارفرمایان قبلی
۶- امکانات و تجهیزات، تخصص و توانایی فنی انجام کار
۷- ارائه سایر مدارک و اطلاعات لازم که در ارزیابی توانمندی متقاضی موثر خواهد بود.
۸- رتبه بندی معتبر و مرتبط از سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته ۵ ابنیه
از شرکتهایی که آمادگی انجام پروژه مذکور را دارند دعوت می شود تقاضای کتبی خود را به همراه مدارک فوق را حداکثر ۱۴ روز پس از درج آگهی به نشانی بندرعباس، اداره کل دادگستری استان هرمزگان، مدیریت فنی و مهندسی تحویل نمایند. بدیهی است این اداره پس از بررسی اسناد و مدارک واصله در چارچوب ضوابط از شرکتهای واجدشرایط دعوت به عمل خواهد آورد. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

آگهی فراخوان عمومی شناسایی مشاور

استانداری هرمزگان در نظر دارد مطالعه و طراحی پارک و مجتمع تفریحی خلیج فارس به متراژ ۳۲ هکتار واقع در جنب بلوار خلیج فارس، بندرعباس را به مشاور واجدشرایط واگذار نماید. لذا مشاورین واجدشرایط مدارک مورد نیاز خود(رزومه ... سوابق کاری) مطابق دستور العمل اجرائی آئین نامه ارجاع کار به مشاوران به شماره ۱۷۳۳۴ /ت ۲۸۴۲۲ تاریخ ۸۳/۴/۷ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را به معاونت امور عمرانی استانداری هرمزگان، اداره کل دفتر فنی به نشانی بندرعباس، گلشهر جنوبی، خیابان فجر، کوچه عدالت یک مراجعه یا ارسال نمایند. تا پس از ارزیابی نسبت به ارسال دعوتنامه اقدام گردد.
قابل ذکر است هزینه های آگهی بر عهده برنده طرح خواهد بود.

مناقصه

واحد آبادان- خرمشهر

بدین وسیله به اطلاع می رساند این واحد دانشگاهی قصد خرید و تجهیز مرکز تلفن پیام گو (از نوع PE ۲۰۰۰) از طریق مناقصه را دارد، لذا از کلیه شرکتهایی که در زمینه فوق فعالیت دارند دعوت به عمل می آید که با ارائه (کاتالوگ) بروشور به امور قراردادهای این واحد مراجعه تا ترتیب حضور آنان در مناقصه داده شود.
نشانی: آبادان، بلوار آیت ا... طالقانی، روبروی بیمارستان آیت ا... طالقانی، ساختمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی اتاق ۱۱۸
ساعت مراجعه: ۱۳/۳۰ تا ۱۴/۳۰
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد آبادان- خرمشهر